



افزوده‌های کتاب راه‌نمایی سال دوازدهم

سؤالات چالشی و ترکیبی

سال ۱۴۰۴

(دکتر هامون سبطی)



سؤالات چالشی و ترکیبی

درس یکم

۱. معنای کدام واژه در دو هلال کنار آن درست آمده است؟
 (آ) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید (فراوان) نعمت.
 (ب) یکی از یاران به طریق انبساط (خودمانی) گفت.
 (پ) پرده ناموس (آبرو) بندگان به گناه فاحش ندرد.
۲. در میان واژه‌های مقابل، چند واژه جمع وجود دارد؟ «موسم، قدوم، بنان، سرور، نبات، کاینات، عاکفان، ملائک، اصحاب»
۳. متضاد واژه‌های زیر را بنویسید.
 (آ) دُل: (ب) سُورور:
 (ج) فاحش: (د) سَرور:
۴. در برابر هر واژه، یک معنا نادرست آمده است، آن را مشخص کنید.
 (آ) مَلِک: پادشاه، خداوند، فرشته (ب) انابت: پشیمانی، توبه، زاری
 (پ) روی: راه، چاره، بهانه (ت) موسم: زمان، بهار، فصل
۵. میان کدام گروه کلمه‌ها، رابطه «تَضَمَّن» برقرار است؟
 (آ) معاملت - مراقبت - مکاشفت (ب) خرما - نخل - تاک (پ) شبیه - وهم - فهم
۶. املاي درست را از دو حالت داخل کمانک انتخاب کنید.
 (آ) (خان - خوان) نعمت بی دریغش همه جا کشید.
 (ب) تخم خرمایی به تریتش نخل (باسق - باثق) شده.
 (ج) واصفان (حلیه - هلیه) جمالش به (تهیر - تحیر) (منسوب - منصوب).
۷. هم‌آوای واژه‌های زیر را بنویسید و معنا کنید.
 (آ) ثنا (ب) خوان
 (پ) منسوب (ت) زمان
۸. در عبارت «هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات» نقش دستوری حیات و... یکسان و (مسند / صفت / مضاف‌الیه) است. (پر کنید و انتخاب کنید).
۹. در عبارت «طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»
 الف) نقش دستوری واژه «طاعت» با کدام واژه دیگر این عبارت یکسان است؟
 (ب) مضاف‌الیه‌ها را مشخص کنید.



۱۰. بیت «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد» را بر پایه شیوه عادی جمله‌های فارسی مرتب کرده و بازنویسی کنید.

۱۱. در عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.» زمان فعل‌ها را به ترتیب مشخص کنید.

۱۲. درباره عبارت «در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوط آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی» درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.

- | | | |
|------|--------|---|
| درست | نادرست | آ) «است» فعل گذرا به مسند (اسنادی) است. |
| درست | نادرست | ب) چهار متمم در این عبارت وجود دارد. |
| درست | نادرست | پ) پنج ترکیب اضافی در این عبارت وجود دارد. |
| درست | نادرست | ت) یک غلط املایی در این عبارت دیده می‌شود. |
| درست | نادرست | ث) «خبر» در معنایی متفاوت با معنای امروزی‌اش به کار رفته. |
| درست | نادرست | ج) دو نوع نقش تبعی در عبارت به چشم می‌خورد. |
| درست | نادرست | د) این عبارت دارای آرای سجع است. |

درس دوم

۱۳. واژه‌ای متناسب با هر یک از معانی زیر بنویسید.

الف) کيفر و مجازات شرعی

ب) پول رایج در گذشته که ارزش آن کسری از دینار بود.

ج) نگاه داشتن دل از توجه به غیر

د) شیر و افشیره

ه) پاسبان و نگهبان

و) کسی که برای مدتی معین در مسجد بماند برای عبادت

ز) دارای نشان پیامبری

۱۴. در بیت‌های زیر «وجه» و «ادیب» چه معنایی دارند؟

«وجه خدا اگر شودت منظر نظر / زان پس شکی نماند که صاحب نظر شوی»

«در مکتب حقایق پیش ادیب عشق / هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی»

۱۵. نقش واژه‌ها یا گروه‌های مشخص شده را بنویسید.

آ) گفت جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

ب) گفت رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست

ج) گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟

د) گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

ه) گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان



۱۶. در میان واژه‌های زیر غلط‌های املایی را اصلاح کنید.
- تزویر، داروقه، ذولجلال، مفرّه، صفوت، قسیم، واعظ، ثمرت، اکراح، حرج و مرج، عن قریب، زل زدن
۱۷. مصراع دوم بیت زیر را بنویسید.
- بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود /
۱۸. یک بیت از حافظ بنویسید که در آن واژه‌های «مس و کیمیا» به کار رفته باشد.
۱۹. جاهای خالی را پر کنید.
- آ) غریق بحر خدا شو / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
- ب) هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل هیچ که زیر و زبر شوی
۲۰. بیت‌های قبل و بعد این بیت را در غزل مکتب حقایق حافظ شیرازی بنویسید.
- بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی
۲۱. از غزل «در مکتب حقایق» حافظ بیتی بنویسید به لزوم پیروی و شاگردی در مسیر تصوّف و عرفان اشاره داشته باشد.

درس سوم

۲۲. اگر بخواهیم بیت زیر را بر پایه شیوه عادی اجزای جمله در فارسی امروز مرتب کنیم، جای چند واژه باید تغییر کند؟
- همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
۲۳. مسندها را در بیت‌های زیر مشخص کنید.
- آ) همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
- ب) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
- پ) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است
۲۴. نقش دستوری «سلیمان» در مصراع «آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم» با نقش دستوری کدام واژه‌ها در بیت‌های زیر یکسان است؟
- الف) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
- ب) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت
۲۵. در بیت «الف» پرسش قبل، نهادها را مشخص کنید.
۲۶. بیت «ب» پرسش قبل را با شیوه عادی آمدن اجزا در جمله بازنویسی کنید.
۲۷. در بیت «در دفتر زمانه فند نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت» نقش دستوری گروه‌های اسمی «نامش» و «مردم صاحب قلم» چیست؟
۲۸. نقش واژه‌های مشخص شده را در بیت زیر بنویسید.
- انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی / چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت



درس پنجم

۲۹. فعل‌های حذف‌شده را در نمونه‌های زیر بیابید.

- (الف) از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند
(ب) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشیمان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیمان
(ج) مَنّت خدای را، عَزّ و جَلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
(د) ای دیو سپید پای در بند / ای گنبد گیتی ای دماوند
(ه) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند
(و) گفت نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم / گفت والی از کجا در خانه خمار نیست

۳۰. ترکیب‌های وصفی و اضافی را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

- (آ) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند
(ب) ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند
(ج) گفت می بسیار خوردی زان چنین بیخود شدی / گفت ای بیهوده گو حرف کم و بسیار نیست
(د) ورنه سزاوار خداوندی اش / کس نتواند که به جای آورد
(ه) تو قلب فسرده زمینی / از درد ورم نموده یک چند
(و) شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند
(ز) زین بی خردان سفلہ بستان / داد دل مردم خردمند

۳۱. متمم‌ها را در نمونه‌های زیر بیابید. (واژه اصلی را مشخص کنید).

- (آ) برکش ز سر این سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند
(ب) زین بی خردان سفلہ بستان / داد دل مردم خردمند
(پ) تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند
(ت) گفت می باید تو را تا خانه قاضی برم / گفت قاضی از کجا در خانه خمار نیست
(ث) بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندی اش / کس نتواند که به جای آورد
(ج) دامنی پر کنم هدیه اصحاب را

۳۲. در نمونه‌های پرسش قبل، مفعول‌ها را بیابید.

۳۳. مفهوم عبارات کنایی زیر را بنویسید.

- (آ) دنبال نخود سیاه فرستادن
(ب) کلاه از سر افتادن
(پ) کاجی به از هیچی است.
(ت) از ریشه برکندن
(ث) دل تو دلمان نیست.



۳۴. کدام جمله طنز دارد؟

(الف) این خر زبان آدمیزاد حالبش نیست.

(ب) مؤمن خدا ما که باشیم که شما را سر کار بگذاریم.

(پ) ناگهان خر سرش را بالا می‌گیرد و با صدای بلند شروع به عرعر می‌کند.

(ت) حاجی از حرف‌هایم خنده‌اش می‌گیرد اما به‌زور سعی می‌کند جلوی خنده‌اش را بگیرد.

۳۵. با توجه به منطق سخن، جاهای خالی به ترتیب با واژه‌های کدام گزینه باید پر شود؟

حاجی آن قدر مهربان و دوست‌داشتنی است که جرئت برای آخرین بار با شوخی از این کارش انتقاد

(۱) کنم - نکنم (۲) کنم - کنم (۳) نکنم - نکنم (۴) نکنم - کنم

درس ششم

۳۶. در بیت «بشنو این نی چون شکایت می‌کند / از جدایی‌ها حکایت می‌کند» مولانا برای صدای ناله‌مانند ساز نی چه علت شاعرانه‌ای ارائه کرده‌است؟

۳۷. در بیت «کز نیستان تا مرا ببریده‌اند / در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»

(الف) بین «مرد و زن» تضاد برقرار است. درست نادرست

(ب) «در نفیرم» یعنی به‌خاطر ناله‌ام. درست نادرست

(ج) نهاد جمله نخست برخلاف جمله دوم حذف شده‌است. درست نادرست

۳۸. در بیت «سینه‌خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق»

(الف) اشتیاق و فراق در معنایی یکسان آمده‌اند. درست نادرست

(ب) «شرحه شرحه» مسند است. درست نادرست

(ج) «اشتیاق» وابسته و وابسته است. درست نادرست

۳۹. نوع پسوند «ان» را در نمونه‌های زیر مشخص کنید.

(آ) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.

(ب) گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می‌روی

(پ) گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست

(ت) بگفتا جان فروشی در اب نیست / بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست

(ث) همت اگر سلسله جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود

(ج) من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوشحالان شدم

۴۰. در بیت «هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد»

(الف) سه متمم وجود دارد. درست نادرست

(ب) «دیر شدن روز» معنایی معادل «بی‌گاه شدن» دارد. درست نادرست

(پ) از نگاه مفهومی، «بی‌روزی» در مصراع دوم متناظر با «ماهی» در مصراع اول است.

درست نادرست



۴۱. در مصراع «روزها گر رفت گورو باک نیست» یک مجاز و یک استعاره بیابید.
۴۲. از عبارت «پادشاهی به درویشی گفت که مرا آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلی و قرب باشد، یاد کن» دو بخش را که نزدیکی معنایی با دو اصلاح در عبارت زیر دارند، پیدا کنید و یک به یک مشخص نمایید.
- «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده»
۴۳. چه تفاوتی میان معنای «جیب» در این دو متن ادبی زیر وجود دارد؟
- «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده»
با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
۴۴. کدام مصراع به ظرفیت متفاوت وجودی انسان‌ها اشاره ندارد؟
- (۱) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد (۲) درنیابد حال پخته هیچ خام
(۳) همچو نی زهری و تریاقی که دید (۴) من به هر جمعیتی نالان شدم
۴۵. کدام مصراع از نظر مفهومی نمی‌تواند ادامه این گفته مولانا در نی‌نامه باشد؟
- سر من از ناله من دور نیست، لیک
(۱) در نیابد حال پخته هیچ خام
(۲) هر کسی بر حسب فکر گمانی دارد
(۳) هر که این آتش ندارد نیست باد
(۴) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست

درس هفتم

۴۶. ترکیب‌های وصفی را در عبارات زیر مشخص کنید و بگویید نقش دستوری واژه‌های (گروه‌های) مشخص شده در عبارات «آ»، «ب» و «پ» چیست؟
- آ) بدان که از نام‌های خُسن یکی جمال است و یکی کمال و هیچ کس نیست که او را به جمال میلی نباشد و همه طالب حسن‌اند.
- ب) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده‌ای روی ننماید.
- پ) اول پایه، معرفت است و دوم پایه عشق و به عالم عشق - که بالای همه است - نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.
۴۷. با توجه به عبارت «عشق آتش است. هر جا که باشد، جز او رخت دیگری نهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.
- الف) جمله‌هایی با الگوی «نهاد + مسند + فعل» و «نهاد + مفعول + مسند + فعل» مشخص کنید.
- ب) یک مفعول حذف شده مشخص کنید.
- پ) یک تشبیه و یک کنایه بیابید.
- ج) ارتباط مفهومی عبارت با این بیت چیست؟
- رخت بر بست ز دل، شادی و هنگام وداع / با غمت گفت که یا جای تو یا جای من است»



۴۸. نقش دستوری ضمیر مشترک در جمله‌های زیر به ترتیب چیست؟

- (آ) همه طالب حسن‌اند و در آن می‌کوشند که خود را به حسن رسانند و حسن مطلوب همه است.
(ب) پروانه چون به آتش رسد خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، زیرا که عشق خود همه آتش است.

۴۹. مفهوم «خود» در عبارت «در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند»

و مفهوم «خویش» در بیت زیر، با یکدیگر تشابه دارند یا تضاد؟ توضیح دهید.

«خواب‌و‌خورت ز مرتبه‌ی خویش دور کرد / آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب‌و‌خور شوی»

۵۰. نوع پسوند «ان» در بیت زیر چیست؟

چو از شمع‌ی رسد پروانه را نور / در آید پرزنان پروانه از دور

۵۱. در عبارات زیر چهار بار «چون» به کار رفته است؛ کدام یک با سه مورد دیگر تلفظ و معنای متفاوت دارد؟

محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند.

چون من در آن حضرت رسم مرا از خود یاد نیاید؛ از تو چون یاد کنم؟ اما چون حق تعالی بنده‌ای را گزید و مستغرق در خود گردانید، هر که دامن او بگیرد، حق آن را بردارد.

۵۲. غلط‌های املائی را در ترکیب‌های زیر بیابید و اصلاح کنید.

تمهیدات عین‌القضات همدانی، بهت و تحیر بچه‌ها، منصوب به بیدادگری، مستقرغ بحر حق، الاغ و استر مجید خوان، حمله‌ی عن‌غریب دشمن بعثی، بهر رضای ذولجلال، صفوت آدمیان، اعراض از عنایت به عنایت بندگان

۵۳. در کدام بیت‌ها نادرستی املائی می‌بینید؟ آن‌ها را اصلاح کنید.

(آ) شَفِیْعُ مَطَاعُ نَبِیِّ کَرِیم / قَسِیمُ جَسِیمُ نَسِیمُ وَ سِیمُ

(ب) چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور

(پ) هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اصرار من

(ت) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهره دل‌بند

(ث) زین بیخردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند

(ج) همتم بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

(چ) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید چم نداشت

(ح) وین نغمه‌ی محبت بعد از من و تو ماند / تا در زمانه باغی است آواز باد و باران

۵۴. کدام واژه هم آوا ندارد؟

- (۱) مستور
(۲) رسا
(۳) ایثار
(۴) زن



درس هشتم

۵۵. طبق نمونه برای هر یک از واژه‌های ستون الف، در ستون ب صفت یا مضاف‌الیه مناسب، از لحاظ معنایی بیابید و گروه‌های اسمی با ساختار «هسته + ـ + وابسته» بنویسید. (یک مورد در ستون ب اضافه است).

الف	گروه اسمی	ب
شیر	شیر ارغند	وجود
مار		خورشید
عقرب		روزی
چریغ		جزاره
وظیفه		ارغند
دار		فسرده
مس		گرزه
جویبار		مُلک
		کیما

۵۶. غلط‌های املائی را در میان عبارات زیر بیابید.

- کنار غنات حسنی در شهر سیرجان اتراق می‌کردیم.
- این همان صفری است که هنگام مراجعه به بانک اعتبارات برای من تدائی شد.
- سیصد تومان برای ادامه تحصیل در تهران مخارج غریب شش ماه من در این شهر بود.
- پیرمرد طیلسانی بر دوش داشت و پاکت کهنه‌ای را از درون کازیه بیرون آورد.
- امپراتوری‌های بزرگ معمولاً مانند آدم‌های ثروتمند از سؤ هاضمه می‌میرند.
- طاق ضربی‌های رواق‌های شرقی را با ملات گچ و آهک احداث کرده‌بودند.

۵۷. در جمله «ده فرسنگ راه را دوازده‌ساعته می‌رفتیم» چند وابسته و چند وابسته وابسته در گروه‌های اسمی به کار رفته‌است؟

۵۸. در عبارت «از کلاس سوم دبیرستان ناچار می‌بایست به کرمان برویم؛ بنابراین بعد از دو سه سال ترک تحصیل، سی و پنج فرسنگ راه بین سیرجان و کرمان را دوشبه با کامیون طی کردیم.»

(آ) یک مترادف برای «لابد» مشخص کنید.

(ب) علت دوسه‌سال ترک تحصیل نویسنده چه بود؟

(پ) دو ممیز در جملات بیابید.

(ت) مفعول جمله پایانی را مشخص کنید.



۵۹. در عبارت «وقتی از پاریز به رفسنجان آمدم، به من سفارش شد که بردن سیصد تومان پول تا تهران همراه یک محصل، خطرناک است.»

(آ) نهاده‌ها را مشخص کنید.

(ب) حروف ربط وابسته‌ساز را مشخص کنید.

(پ) نمودار گروه‌های اسمی گروه‌های دارای (بیش از یک واژه) را بکشید.

۶۰. در عبارت «آرزوها پایان ندارد. آدمی به هر جا می‌رود، گمان می‌کند به غایت‌القصوای مقصود خود رسیده‌است در صورتی که دنیا بی‌پایان است.»

(آ) مفعول‌ها را مشخص کنید.

(ب) جمله پایه (هسته) را مشخص کنید.

۶۱. در جمله «عبور هواپیما از روی دریای مدیترانه همیشه آدمی را غرق دریای تصورات تاریخی می‌کند» اجزای اصلی جمله عبارتند از

(۱) عبور، آدمی، غرق، می‌کند (۲) هواپیما، آدمی، غرق، می‌کند

(۳) عبور، آدمی، دریا، غرق، می‌کند (۴) دریا، آدمی، غرق، می‌کند

۶۲. در عبارت «بیشتر راه از روی دریا گذشتیم. جزیره‌های کوچک و بزرگ مثل وصله‌های رنگارنگ بر طیل‌سان آبی مدیترانه دوخته شده است.»

(آ) نهاده‌ها را بیابید.

(ب) نوع وابسته‌ها را به ترتیب مشخص کنید.

۶۳. در عبارت «رم پایتخت ایتالیا شهری است قدیمی. دیوارهای قطور و باروهای دودخورده آن به زبان حال بازگو می‌کند که روزگاری از فراز همین برج‌ها، فرمان به سواحل دریای سیاه داده می‌شد و کرانه‌های فرات خط از کرانه‌های رود تیبر می‌خواندند.»

(آ) عبارت «امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء‌هاضمه می‌میرند» با این عبارت چه ارتباطی در مضمون و مفهوم دارد؟

(ب) منظور از «زبان حال» چیست؟

(پ) چهار مجاز بیابید.

(ج) نهاده‌ها را بیابید.

(د) مفعول جمله پایه را بیابید.

(ه) نمودار گروه‌های اسمی در سه جمله نخست را رسم کنید.

۶۴. کدام گزاره درست نیست؟

(۱) تذکرة‌الاولیا اثری است از عطار نیشابوری به نثر.

(۲) تمهیدات، تذکرة‌الاولیا و فی حقیقة‌العشق جزو آثار عرفانی و غنایی به شمار می‌آیند.

(۳) فیه مافیه از سروده‌های مولانا در حوزه عرفان و ادبیات غنایی است.

(۴) دماوندیه بهار در قالب قصیده است و مست و هشیار پروین اعتصامی در قالب قطعه.



درس نهم

۶۵. در عبارت «مزینان از هزار و صد سال پیش، هنوز بر همان مُهر و نشان است که بود» نویسنده از شعر

کدام شاعر در میان نوشته خود بهره برده است؟

(۱) حافظ (۲) رودکی

(۳) فردوسی (۴) نظامی گنجه‌ای

۶۶. در عبارت «استادان بزرگ حکمت و فقه و ادب نه در «ادارات» که در غرفهٔ مساجد و مدارس

می‌نشستند و شاگرد بود که همچون جویندهٔ تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالاخره می‌یافت و سر

می‌سپرد. نه به زورِ «حاضر و غیاب» بل به نیروی «ارادت».

الف) فعل حذف شده و نوع حذف را مشخص کنید.

ب) مفعول فعل «می‌یافت» چیست؟

پ) مسندها را بیابید.

ت) منظور از «سر می‌سپرد» چیست؟

ث) نویسنده با ایجاد تقابل میان «ادارات» در آغاز بند و «ارادت» در پایان آن، قصد انتقاد از چه پدیده‌ای

را دارد؟

۶۷. مسندها را در جمله‌های زیر مشخص کنید.

«همهٔ چشم‌ها به جدّ پدرم بود که حوزهٔ حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او که جانشین

شایستهٔ ملاهادی اسرار بود، روشن نگه دارد.»

۶۸. در عبارت پرسش قبل:

الف) دو کنایه مشخص کنید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

ب) واژه‌ای مشخص کنید که هم‌آوا دارد.

ج) تعداد ترکیب‌های اضافی و وصفی را مشخص کنید.

د) وابسته‌های وابسته را مشخص کنید.

۶۹. نمودار گروه اسمی زیر را کامل کنید.

جانشین شایستهٔ ملاهادی اسرار



۷۰. در عبارت «ناگهان مُنْقَلَب شد. شهر را و گیر و دار شهر را رها کرد و چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی

آمد که هرگز در انتظار آمدن چون او کسی نبود.»

آ) انواع «واو» را مشخص کنید.

ب) مسندها را مشخص کنید.

پ) یک وابستهٔ وابسته مشخص کنید.

ت) مجاز و استعاره را پیدا کنید.

۷۱. در عبارت «عموی بزرگم که از برجسته‌ترین شاگردان حوزهٔ ادیب بزرگ بود، به همین روستای فراموش باز آمد و از زندگی و مردمش کناره گرفت که این فلسفهٔ انسان ماندن در روزگاری است که زندگی سخت آلوده است و انسان ماندن سخت دشوار.»

آ) مضمون بیت «من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش حالان شدم» با توصیهٔ نویسنده در این عبارت، همسو است یا ناهمسو؟

ب) مرجع ضمیر «ش» را در «مردمش» مشخص کنید.

پ) ترکیب‌های وصفی را در این عبارت پیدا کنید.

ت) نقش واژه‌های زیرخطدار را مشخص کنید.

ج) نمودار پیکانی دو گروه اسمی ابتدای عبارت را بکشید.

۷۲. در کدام گروه‌های اسمی زیر، وابسته و وابسته وجود دارد؟ نوع آن‌ها را در هر مورد مشخص کنید.

الف) بسیاری دعا و زاری بنده ب) جمعیت بسیار زیاد شهر

ج) بسیاری مناطق دیدنی د) جمعیت بسیار این منطقه

ه) آزمون سخت امروز و) حرکات سخت خیره‌کنندهٔ این ورزشکار

ز) پرتوی کم‌رنگ آفتاب ح) نور آبی روشن

ط) چند شعاع کم نور خورشید ی) همین یک صد متر

۷۳. در کدام گروه‌ها، صفت جانشین اسم می‌یابید، آن‌ها را مشخص کنید.

آ) دل گرمی و دم‌سردی ما ب) حال و روز عاشق

پ) قدرت قلم نویسنده پ) اعتصاب کارگران فقیر ماهیگیر

ت) درنیابد حال پخته هیچ خام

۷۴. عبارات زیر را معنا کنید.

آ) حاجی خودش از عاملان بزرگ و قدیمی تخریب است.

ب) بط دیگر روزها قصدی نپیوستی.

پ) جز او دیگری آن جا رخت ننهد.

ت) ممات بی‌عشق می‌یاب.

ث) پروانه قوت از آتش خورد.

ج) کرانه‌های فرات خط از کرانهٔ رود تiber می‌خواندند.

چ) چون نعمتی پدید آید، بر مرکب شکر نشینم و پیش او باز شوم.

ح) در شهر دست‌وپاگیر نشده‌بودیم.

خ) قندیل زیبای پروین سرزد.

د) ما قدرت اجارهٔ حیاط دربست نداشتیم.

ر) سری به ساوه زدم و دربارهٔ دزفول پرس‌وجو کردم.

ز) جوجه کبک‌ها خط‌و‌خال انداخته‌اند.



۷۵. مفهوم عبارات زیر را بنویسید.

- (آ) آب جیحون فرو نشست. (ب) مرا دنبال نخودسیاه فرستاده‌ای.
(پ) کاجی به از هیچی است. (ت) بر همان مهر و نشان است که بود
(ث) کار دست کسی دادن (ج) با الاغ تور به سفر رفتن

۷۶. در گروه اسمی «حوزه درس مرحوم حاجی ملا هادی اسرار» مضاف الیه مضاف الیه، کدام واژه است؟

درس دهم

۷۷. در بیت «آن جا در آن برزخ سرد در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو» مفعول را مشخص کنید و جمله‌ها را با حالت عادی ترتیب جملات بازنویسی کنید.

۷۸. در بیت بالا ترکیب‌های وصفی و اضافی را بنویسید.

۷۹. کاربرد ادبی ممیز در کدام نمونه دیده‌ نمی‌شود؟

- (آ) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ
(ب) یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است.

(ج) تصور کردم که دو رأس هندوانه از جایی کش‌رفته و در سر زانوهای شلوارش مخفی کرده.

(د) عصر با الاغ تور راه می‌افتادیم؛ سه فرسخ کوهستانی آب و آبادی داشت اما از «کران» به بعد هفت فرسنگ، تمام بیابان و ریگزار بود.

۸۰. در بیت «غرق غباریم و غربت با من بیا سمت باران / صد جویبار است این جا در انتظار من و تو»

(الف) در تصویرسازی شاعر، چه واژه‌هایی متضاد و مقابل هم قرار گرفته‌اند؟

(ب) کدام واژه می‌تواند نماد انقلاب و بهروزی باشد؟

(پ) ترکیب‌های وصفی را بیابید.

(ت) چند فعلِ گذرا به مسند در این بیت وجود دارد؟

۸۱. در بیت «این فصل فصل من و توست، فصل شکوفایی ما / بر خیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو»

درستی و نادرستی گفته‌های زیر را تعیین کنید.

- | | | |
|---|------|--------|
| الف) سه مورد حذف فعل در بیت رخ داده‌است. | درست | نادرست |
| ب) در بیت، دو نقش تبعی تکرار و معطوف وجود دارد. | درست | نادرست |
| پ) در بیت، حذف نهاد و حذف مفعول رخ داده‌است. | درست | نادرست |
| ت) در بیت، دو ترکیب وصفی دیده‌ می‌شود. | درست | نادرست |

۸۲. در بیت «با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو»

نقش دستور «یادگار من و تو» با نقش کدام واژه در بیت زیر یکسان است؟

«چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو»

۸۳. در عبارت «من از طبیعت آموختم که همانند درختان بارور - بی آن که داعیه‌ای داشته باشم - سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده دستی، بی هیچ گونه چشم‌داشتی به سپاسگزاری و آفرین» کدام صفات، ستایش و سفارش شده است؟

- (۱) باروری - سپاسگزاری
(۲) بی ادعایی - سپاسگزاری
(۳) بارورری - گشاده دستی
(۴) بی ادعایی - کرامت

۸۴. عبارت «نه همین مهریانی را به مهر که پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین باید نثار کند.» کدام روش و منش اخلاقی سفارش شده است؟

۸۵. مؤلف آثار زیر را بنویسید.

- (آ) فیه مافیه: (ب) تذکرة الاولیا:
(پ) بخارای من ایل من: (ت) تیرانا:
(ث) سانتاماریا (ج) قصه‌های شیرین فرهاد:
(چ) دری به خانه خورشید: (ح) کویر:
(خ) از پاریز تا پاریس

درس یازدهم

۸۶. در داستان «آن شب عزیز» نوشته مهدی شجاعی، راوی داستان می‌گوید: «بیش از همه مُصر بودم در شنیدن حرف شما، همیشه این‌طور بوده است. از آن زمان که معلم بودید تا اکنون که باز معلم هستید.» منظور راوی از این که اکنون هم معلم هستید، چیست؟

۸۷. در عبارت «گفتن ندارد، خودتان می‌دانید که من بیش از همه مصر بودم در شنیدن حرف‌های شما.» الف) شمار جمله‌ها را مشخص کنید.

ب) نهاد و مفعول جمله دوم را مشخص کنید.

۸۸. در عبارت «نمی‌خواستم خدای ناکرده حرف شما را زیر پا گذاشته باشم. صحبت امروز و دیروز نیست. همیشه این‌طور بوده است. از آن زمان که معلم بودید، تا اکنون که باز معلم هستید. الان هم دوستان دارم؛ بیشتر از همیشه.»

الف) فعل‌های حذف‌شده را مشخص کنید.

ب) قیده‌ها را مشخص کنید.

پ) یک کنایه و یک مجاز بیابید.

ج) چه تفاوتی میان منظور گوینده از واژه «معلم» در «آن زمان» و «اکنون» است؟

۸۹. در عبارت «وقتی یقینم شد خودتانید نزدیک بود بی اختیار به سویتان خیز بردارم و فریاد بزنم.» نقش دستوری واژه‌های مشخص شده به ترتیب چیست؟

۹۰. در عبارت «در این حمله مرا هم با خود همراه کنید. نه برای جنگیدن، برای با شما همراه بودن، برای جنگ یاد گرفتن.» متمم‌ها را مشخص کنید و یک جمله با الگو «نهاد + مفعول + مسند + فعل» بیابید.



- ۹۱.** در عبارت «شما معلم بودید و از آموختن هیچ چیز به شاگردانتان دریغ نداشتید. تنها و تنها برای تعلیم گرفتن، شب شما را در میان تاریکی تعقیب کردم.»
الف) به جز تناسب و واج‌آرایی، آرایهٔ ادبی دیگری در این عبارت مشخص نمایید.
ب) مفعول‌ها را مشخص کنید.
- ۹۲.** در عبارت «نفهمیدم چقدر از سنگرها فاصله گرفته‌ایم؛ جز گودالی کجا می‌توانست مخفیگاه من باشد ولی عمق گودال آن قدر نبود که بتواند جثهٔ آدمی را ایستاده یا نشسته در خود بگیرد. سجده بهترین حالتی بود که می‌توانست مرا با خاک همسطح و یکسان کند.»
الف) قیده‌ها را بیابید.
ب) ابهام در کدام جمله دیده می‌شود؟
- ۹۳.** در عبارت «ایستاده یا نشسته بخواهید، آن چنان که بی‌کم‌ترین صدا برخیزید؛ نه امشب فقط که همیشه بر همه چی‌تان مسلط باشید. اگر چنین باشید دشمن هم نمی‌تواند بر شما مسلط شود.»
الف) حرف‌های ربط وابسته‌ساز و هم‌پایه‌ساز را مشخص کنید. ب) قیده‌ها را مشخص کنید.
- ۹۴.** مفهوم عبارت پرسش پیشین به کدام یک از بیت‌های زیر نزدیک است؟
الف) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند
ب) دل گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی / مردادمه و گاه دی‌اش نام نهادند
پ) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند
۹۵. جاهای خالی را پر کنید.
- الف) لبریز زندگی است آخرت / آورده گرم به آغوش تو پناه
ب) ماه آمده به دیدن خورشید / رفته است سر شب سراغ ماه
- ۹۶.** مصراع نخست این بیت را بنویسید.
..... / ای روضهٔ مجسم گودال قتلگاه
- ۹۷.** بیت قبلی این بیت را بنویسید.
ترسم تو را ببیند و
- ۹۸.** در شعر «شکوه چشمان تو» چرا شاعر، شهید خُججی را «روضهٔ مجسم گودال قتلگاه» می‌داند؟
- ۹۹.** در بیت «لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مرگ گرم به آغوش تو پناه» چرا شاعر می‌گوید که مرگ به آغوش تو پناه آورده است؟
- ۱۰۰.** در بیت «ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد / یوسف بگو که هیچ نباید برون ز چاه» شاعر بر کدام ویژگی شهید تأکید دارد؟
- ۱۰۱.** در بیت «شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق رگ گردنت گواه» چرا شاعر «رگ گردن» شهید خججی را گواه استقامت او در عشق به خدا می‌داند؟

۱۰۲. در کدام بیت زمان فعل‌های دو مصراع همسان نیست؟

- (۱) ز هر در سخن چون بدین گونه گشت / بر آتش بیاید یکی را گذشت
- (۲) سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت
- (۳) چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود
- (۴) مگر کاتش تیز پیدا کند / گنه کرده را زود رسوا کند

۱۰۳. بخش‌های مشخص شده را معنا کنید.

- (آ) جهاندار سودابه را پیش خواند / همی با سیاوش به گفتن نشانند
- (ب) به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت صد کاروان
- (پ) بیامد دوصد مرد آتش فروز / دمیدند گفتی شب آمد به روز
- (ت) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه
- (ث) بدان گه که شد پیش کاووس باز / فرود آمد از باره، بردش نماز
- (ج) ورایدون کز این کار هستم گناه / جهان آفرینم ندارد نگاه
- (د) سیاوش را تنگ در برگرفت / ز کردار بد پوزش اندر گرفت

۱۰۴. بیت «چنین پاسخ آورد سودابه پیش / که من راست گویم به گفتار خویش» با توجه به داستان‌های شاهنامه، نشانه کدام صفت سودابه است؟

- (۱) دروغ‌گویی
- (۲) حاضر جوابی
- (۳) صداقت
- (۴) نجیب‌زادگی

۱۰۵. در بیت «یکی تازی‌ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه»

(الف) چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

(ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده چیست؟

(ت) کدام جنبه حماسه برجسته است؟

(پ) یک «صفت جانشین اسم» مشخص کنید.

۱۰۶. در بیت «به نیروی یزدان نیکی دهش / کز این کوه آتش نیابم تیش» چه جمله‌ای از میان دو مصراع حذف شده است؟

۱۰۷. در بیت پرسش پیشین، کدام واژه در معنایی کاملاً متفاوت با معنای امروزی‌اش به کار رفته است؟

۱۰۸. این ترکیب‌ها را معنی کنید:

- (آ) شهید فایق
- (ب) کربت جور
- (ت) حمایل کردن
- (پ) ارتفاع ولایات



۱۰۹. در عبارت «یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرد تا جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند.» کدام مورد زیر نمی‌تواند از نتایج جمله‌ای باشد که زیر آن خط کشیده شده؟

- (۱) خلق بر او به تعصب برآمدند. (۲) ارتفاع ولایات نقصان یافت.
(۳) خزانه تهی ماند. (۴) دشمن زور آورد.

۱۱۰. در بیت «نکند جور پیشه سلطانی / که نیاید ز گرگ چوپانی» منظور سعدی این است که حکومتِ فرد جور پیشه.....

- (۱) شایسته‌سالار نیست. (۲) ناممکن است. (۳) ظالمانه است. (۴) زودگذر است.

۱۱۱. در بیت «پادشاهی که طرح ظلم افکند / پای دیوار مُلک خویش بکند» میان «طرح افکند» و «بکند» چه رابطه‌ای برقرار است؟

- (۱) تضمن (۲) تضاد (۳) تناسب (۴) مترادف

۱۱۲. در بیت «به نیروی یزدان نیکی دهش / کز این کوه آتش نیابم تیش» معنای خاص واژهٔ تیش با کدام روش مشخص می‌شود؟

۱۱۳. در بیت «بندۀ حلقه به گوش از نوازی برود / لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش» معنی فعل «نوازی» از رابطهٔ دریافت می‌شود.

۱۱۴. در «پور زال زر، جهان پهلوی / آن خداوند و سوار رخس بی‌مانند» معنای واژهٔ «زر» از رابطهٔ با حاصل می‌شود.

درس سیزدهم

۱۱۵. مفهوم نمادین «گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم / همگنان را خون گرمی بود» به مفهوم نمادین کدام بیت زیر نزدیک است؟ آن مفهوم مشترک چیست؟

الف) بر کش ز سر آن سپید معجر / بنشین به یکی کبود اوردند

ب) با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند

پ) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلبند

ت) تو قلب فسردهٔ زمینی / از درد ورم نموده یک چند

۱۱۶. تفاوت تشبیه در مورد الف و ب چیست؟

الف) قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم

ب) همگنان خاموش، گرد بر گردش به‌کرار صدف بر گرد مروارید، پای تا سرگوش

۱۱۷. در «همچنان می‌گفت و می‌گفت و قدم می‌زد / قصه است این قصه آری قصهٔ درد است / شعر نیست / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است»

الف) قیده‌ها را مشخص کنید.

ب) ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

پ) نقش‌های تبعی را مشخص کنید.

۱۱۸. در سروده «قهوه‌خانه گرم و روشن بود، مرد نقال آتشین پیغام / راستی کانون گرمی بود»

(آ) چند جمله وجود دارد؟

(ب) مسندها را مشخص کنید.

(پ) آرایه‌های ایهام و حس‌آمیزی را مشخص کنید.

۱۱۹. در «بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ همچون پوچ عالی نیست»

(آ) ترکیب‌های وصفی را مشخص کنید.

(ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید.

(پ) شاعر کدام صفت را سزاوار «شعر محض» می‌داند؟

۱۲۰. واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

(آ) آن عماد تکیه و امید ایران شهر

(ب) پور زال زر، جهان‌پهلو

(پ) سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد

(ت) در تگ تاریک ژرف چاه پهناور

(ج) او از تن خود - بس بتر از رخس - بی‌خبر بود و...

(چ) رخس، آن طاق عزیز، آن تای بی‌همتا

(ح) این برایش سخت آسان بود و ساده بود

۱۲۱. وابسته‌های وابسته و نوع آن‌ها را در نمونه‌های زیر - در صورت وجود - مشخص کنید.

(آ) شیرمرد عرصه ناوردهای هول

(ب) آن خداوند و سوار رخس بی‌مانند

(پ) هزاران یادهای روشن و زنده

(ت) آن کلید گنج مروارید

(ث) با هزارش یادبود خوب، خوابیده است.

(ج) آن کمند شصت خم خویش بگشاید.

۱۲۲. در «قصه می‌گوید که بی‌شک می‌توانست او اگر می‌خواست / که شغاد نابرا در را بدوزد - همچنان

که دوخت - با کمان و تیر / بر درختی که به زیرش ایستاده بود / و بر آن بر تکیه داده‌بود.»

(الف) نقش واژه‌های مشخص شده چیست؟

(ب) متمم‌ها را مشخص کنید.

(پ) ایهام را بیابید.

۱۲۳. رستم در خوان پایانی، خوان هشتم، از چه چیزی شکست می‌خورد و توان نابود کردنش را ندارد؟



درس پانزدهم

۱۲۴. در بیت «چون بود که اقلیم ما را شاه نیست / بیش از این بی شاه بودن راه نیست» معنای کدام واژه به معنی واژه «سامان» در بیت زیر نزدیک است؟

در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست

۱۲۵. واژه مشخص شده در بیت «چون بود که اقلیم ما را شاه نیست / بیش از این بی شاه بودن راه نیست» را در عبارت زیر بیابید.

«درویش به پادشاه گفت: چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید؛ از تو چون یاد کنم؟! اما چون حق تعالی بنده‌ای را گزید و مستغرق خود گردانید، هر که دامن او بگیرد، حق آن را بردارد.»

۱۲۶. در عبارت آمده در پرسش قبل، منظور از «او» در خط پایانی، مطابق است با کدام جزء از متن زیر؟

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده. یکی از یاران گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب را، چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»

۱۲۷. مفهوم سه جمله پایانی در این بخش از دیباجه گلستان سعدی که در سؤال بالا آمده، به مفهوم کدام بیت زیر نزدیک‌تر است؟ اشتراک مفهومی‌شان را بنویسید.

(آ) هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز

(ب) بعد از آن مرغان دیگر سر به سر / عذرها گفتند مشتی بی خبر

(پ) مال این جا بابت انداختن / ملک این جا بابت در باختن

(ت) محو او گشتند آخر بر دوام / سایه در خورشید گم شد والسلام

(ث) گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی

۱۲۸. در عبارت «از هر چه گمان توان کردن زیباتر است.» جمله پایه و پیرو را مشخص کنید.

۱۲۹. مفهوم عبارت «سال‌ها پیش نیم‌شبی از کشور چین گذشت و پری از پرهایش بر این سرزمین افتاد.

آن پر چنان زیبا بود که هر که آن را دید، نقشی از آن به خاطر سپرد. این همه نقش و نگار که در جهان هست، هر یک پرتوی از آن پر است.» به مفهوم کدام بیت زیر نزدیک است و آن مفهوم مشترک چیست؟

(آ) گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی

(ب) گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته‌ای گیرد زوال

(پ) چشم بگشا به گلستان و ببین / جلوه آب صاف در گل و خار

(ت) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهنداند

۱۳۰. در عبارت «شکوه و جلال بی‌مانندی دارد و با خرد و دانش خود آنچه خواهد، تواند» جمله وابسته را مشخص کنید.

۱۳۱. در جمله «این همه نقش و نگار که در جهان هست، هر یک پرتوی از آن پر است.» نقش واژه‌های مشخص شده چیست؟

۱۳۲. اگر اجزای بیت «شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف» را بر پایه زبان معیار مرتب کنیم، «شگرف» باید پس از کدام واژه بیاید؟

۱۳۳. مفهوم بیت «شیرمردی باید این ره را شگرف / زن که ره دور است و دریا ژرف ژرف» به مفهوم

کدام بیت زیر نزدیک‌تر است؟ این مفهوم مشترک چیست؟

آ) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی ست روزش دیر شد

ب) چو از شمع رسد پروانه را نور / در آید پرزنان پروانه از دور

پ) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شود

۱۳۴. کدام بخش‌ها از دو عبارت زیر مفهوم یکسان دارند؟

آ) هدهد گفت: «آری، آن که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن که بدو رو آرد، بدو نتواند رسید.»

ب) ای عزیز، پروانه قوت از آتش خورد، بی‌آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد.

۱۳۵. بیت «هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی ست روزش دیر شد» با کدام بخش از عبارت

زیر، مفهوم یکسان دارد؟

هدهد گفت: «آری، آن که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن که بدو رو آرد، بدو نتواند رسید.»

۱۳۶. برای نمونه‌های ستون «آ»، در ستون «ب» بیت‌ها و عبارات هم‌مفهوم بیابید.

ستون «ب»	ستون «آ»
الف) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا هر که فانی شد زخود مردانه‌ای است	۱) چون نگه کردند آن سی مرغ زود بی‌شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
ب) بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست در خود بطلب هر آنچه خواهی که توی	۲) شیرمردی باید این ره را شگرف زن که ره دور است و دریا ژرف ژرف
ج) خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد آن‌گه رسی به خویشت که بی‌خواب‌خور شوی	۳) پروانه چون به آتش رسد خود را بر میان زند
د) در عالم پیر هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است	۴) بعد از این وادی توحید آیدت منزل تفرید و تجرید آیدت
ه) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند	۵) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد
و) چشم بگشا به گلستان و بین جلوه آب صاف در گل و خار	۶) دل چه بندی در این سرای مجاز همت پست کی رسد به فراز

۱۳۷. در عبارت «هدهد به بلبل گفت: مهرورزی تو بر گل کار راستان و پاکان است، اما زیبایی محبوب

تو چند روزی بیش نیست» هدهد می‌خواهد بلبل را ترغیب کند که به کدام وادی سیر و سلوک

عرفانی قدم بگذارد؟ توضیح دهید.

۱) وادی اول ۲) وادی دوم ۳) وادی سوم ۴) وادی چهارم



۱۳۸. «طاووس چنین عذر آورد که من مرغ بهشتی‌ام. روزگاری دراز در بهشت به سر برده‌ام. اکنون آرزویی بیش ندارم که بدان گلشن خرم باز گردم.» بنابراین طاووس وارد کدام وادی از وادی‌های سیر و سلوک عارفانه نشده است؟ توضیح دهید.

۱۳۹. «تفرید و تجرید» مربوط به کدام مراحل از مراحل اوج‌گیری روحی و عرفانی در منطق‌الطیر عطار است؟

۱۴۰. در بیت «مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه» منظور از «این جایگاه»، وادی... است.

۱۴۱. در بیت «بعد از این وادی استغنا بود / نه در او دعوی و نه معنا بود» منظور از «این» چندمین وادی از وادی‌های هفتگانه منطق‌الطیر عطار است؟

۱۴۲. بیت زیر را با توجه به زبان معیار فارسی مرتب کنید.

«بعد از این بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی‌ای بی‌پاوسر»

۱۴۳. نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را در بیت‌های زیر تعیین کنید.

آ هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش

(ب) بعد از این وادی استغنا بود / نه در او دعوی و نه معنا بود

(پ) بعد از این بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی‌ای بی‌پا و سر

۱۴۴. در بیت «هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند با یک ذره باز»

آ نهاد داریم و تشبیه نداریم.

(ب) «گفت» و «ماند» فعل ماضی با کاربرد مضارع هستند.

(پ) مصراع دوم، استفهام انکاری است.

(ت) بین «داند» و «تواند» رابطه ترادف برقرار است.

(ث) در بیت، آرایه تضاد مشهود است.

(ج) این بیت از زبان طاووس است، خطاب به هدهد.

(چ) منظور از «ذره» بهشت و نعمت‌های بهشتی است.

- | | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |

۱۴۵. با توجه به عبارت «چه جای آن است که من دست شاهان بگذارم و در بیابان‌های بی‌آب و علف در

جست‌وجوی سیم‌رغ سرگردان شوم؟ آن به که مرا نیز معذور دارید.» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

(الف) این سخنان از زبان کدام پرنده خطاب به هدهد است و این پرنده را می‌توان نماد چگونه انسان‌هایی به شمار آورد؟

(ب) نوع «و»ها را مشخص کنید.

(پ) درستی و نادرستی گزاره‌های زیر را مشخص کنید.

- (۱) «دست» در معنای مجازی به کار نرفته است.
- (۲) املاي «بگذارم» نادرست و املاي «معذور» درست است.
- (۳) «چه» در آغاز عبارت معنی «چرا» می‌دهد و استفهام انکاری ساخته است.
- (۴) نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده در پایان عبارت یکسان است.

- | | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |
| ☐ درست | ☐ نادرست |

۱۴۶. «تَعَب» با کدام واژه زیر مترادف است؟

(۱) کُرْبَت

(۲) نفیر

(۳) زاد

(۴) حُزْن

درس شانزدهم

۱۴۷. توضیحات زیر مربوط به کدام واژه‌هاست؟

(آ) محوطهٔ سقف‌دار در داخل خانه‌ها که در ورودی ساختمان به آن باز می‌شود.

(ب) در اصطلاح صوفیان خالی شدن قلب سالک از غیر خدا

(ج) نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق

(د) موفق شدن در مسابقه و به دست آوردن گرو

(هـ) گم شدن عارف در معروف

(و) بنایی با سقف گنبدی یا به شکل هرم

(ز) بشقاب گرد بزرگ معمولاً با لبهٔ کوتاه

۱۴۸. غلط‌های املایی را در میان ترکیب‌های زیر بیابید و اصلاح کنید.

آخر الامر - نشعهٔ سحرانگیز - کربت مخاصمت - ماوراء الطبیعه - ذوال مخیله - قرص نهال - زجه و

تضرع - مضق و بلعیدن - طفره رفتن - صموم تموز - مشایئت و بدرقه - شیء عجاب - گل و خار -

قنداقِ تفنگ - مطانت و وقار - زنبور طفیلی

۱۴۹. کدام یک از واژه‌های زیر در زبان فارسی «هم‌آوا» ندارد؟

(آ) محظوظ

(ب) ستور

(پ) مستور

(ت) زال

۱۵۰. در عبارت «شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه. در اداره با هم‌قطارها قرار و مدار گذاشته بودیم

که هر کس اول ترفیع رتبه یافت، به عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد، دوستان نوش جان

نموده به عمر و عزتش دعا کنند.»

(الف) یک حذف فعل و یک حذف مفعول پیدا کرده، نوع حذف‌ها را مشخص کنید.

(ب) یک واو عطف و یک واو ربط مشخص کنید.

(پ) نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

(ت) چند وابستهٔ وابسته دیده‌می‌شود؟



۱۵۱. مشخص کنید ترکیب‌های زیر اضافی هستند یا وصفی؟

(ب) لوازم عاریه	(آ) سال آژگار
(ت) یادگار جوانی	(پ) تپه یادگاری
(ج) سیاه‌بخت فرزند	(ث) یزدان نیکی‌دهش
(ح) کشش ایمان	(چ) عطر الهام
(د) روستای فراموش	(خ) آستانه میوه‌دادن
(ر) پسرعموی تنی	(ذ) جوانی مصطفی‌نام
(ژ) نوک جمع	(ز) پست و بلند راه
(ش) سزاوار ایشان	(س) سیزده عید

۱۵۲. عبارت «مُحال است در مهمانی اول بعد از عروسی بگذارم از کسی چیز عاریه وارد این خانه بشود» را به ترتیب عادی اجزای جمله در زبان معیار برگردانید و جمله‌های هسته و وابسته را در آن مشخص نمایید.

۱۵۳. نمودار گروه‌های اسمی زیر را بکشید.

(آ) روز دوم عید
(ب) فردای آن روز
(پ) جوان دیلاقی مصطفی‌نام
(ت) پسرعموی دختردایی خاله مادرم

۱۵۴. در عبارت «اینک روز دوم عید نوروز است و آش جو اعلا و کباب بره ممتاز و دو رنگ پلو و چند جور خورش با تمام مخلفات رو به راه شده‌است»، وابسته‌های وابسته را مشخص کنید.

۱۵۵. در عبارت «خدا عقلت بدهد؛ یک ساعت دیگر مهمان‌ها وارد می‌شوند؛ چطور مهمانی را پس بخوانم؟ تو رفقای مرا نمی‌شناسی. بچه قنداقی که نیستند که هر چه بگوییم مثل بچه آدم باور کنند.»
(آ) نقش دستوری ضمیر پیوسته را مشخص کنید.
(ب) کاربرد حرف «که» را در سطر دوم مشخص نمایید.

۱۵۶. کدام مورد مرکب اتباعی نیست؟

(۱) پرت و پلا	(۲) کج و معوج
(۳) چرند و پرند	(۴) آت و آشغال

۱۵۷. در عبارت «چندین بار درسش را تکرار کردم تا از بر شد. بعد برای آراستن سر و وضعش او را به اتاق دیگری فرستادم. با لباس تازه و جوراب و کراوات ابریشمی ممتاز و پوتین جیر براق خرامان مانند طاووس مست وارد شد و با کمال متانت تعارفات معمولی را برگزار کرد.»

(آ) چند وابسته وابسته دیده‌می‌شود؟
(ب) چند واو عطف دیده‌می‌شود؟
(پ) چند حرف ربط وابسته‌ساز دیده‌می‌شود؟
(ت) نوع «ان» در «خرامان» چیست؟
(ث) منظور از «درس» چیست؟

۱۵۸. عبارت «دو نفر از آقایان که خیلی ادعای فضل و کمالشان می‌شد، مقداری از ابیات را دو بار و سه

بار مکرر خواستند.» نشانه چیست؟

(۱) ذوق و سواد بالای ادبی شنوندگان

(۲) تکراری بودن مضامین برخی از ابیات

(۳) مورد استقبال قرار گرفتن آن ابیات

(۴) سخت‌گیری فضلا و ادبا در تأیید ارزشمندی یک اثر ادبی

۱۵۹. در عبارت «من تَخَلَّص را از زواید و از جملهٔ رسومی می‌دانم که باید متروک گردد اما به اصرار مرحوم

ادیب پیشاوری که خیلی به من لطف داشتند کلمهٔ استاد را برحسب پیشنهاد ایشان اختیار کردم.»

(آ) مسندها را مشخص کنید.

(ب) شاخص را مشخص کنید.

(پ) طنز این عبارت را توضیح دهید.

۱۶۰. در عبارت «من که شخصاً تا خرخره خورده‌ام و اگر سرم را از تنم جدا کنید، یک لقمهٔ دیگر هم

نمی‌توانم بخورم ولو مائدهٔ آسمانی باشد» الف) حرف‌های ربط وابسته‌ساز را مشخص کنید.

(ب) مسندها را مشخص کنید.

۱۶۱. در عبارت «محض خاطر من هم شده فقط یک لقمه میل بفرمایید که لااقل زحمت آشپز از میان

نرود و دماغش نسوزد.»

(آ) متمم‌ها را بیابید.

(ب) قیده‌ها را بیابید.

۱۶۲. در عبارت «خانه‌خراب، تا حلقوم بلعیده بودی، باز تا چشمت به غاز افتاد، دین و ایمان را باختی و

به منی که چون تویی را صندوقچهٔ سر خود قرارداده‌بودم، نارو زدی؟!» حرف‌های ربط وابسته‌ساز

را مشخص کنید.

درس هفدهم و هجدهم

۱۶۳. این واژه‌ها را معنا کنید.

(ب) وُلُو	(آ) برزن
(ت) دوشکا	(پ) مَضَع
(ج) پتیاره	(ث) کربت
(ح) اهتزاز	(چ) بادبرف
(د) سنا	(خ) مقهور
(ر) کردند	(ذ) مسطور



۱۶۴. میان شخصیت‌های ادبی و توضیحات در دو ستون جدول زیر رابطه برقرار کنید. (یک مورد در هر دو ستون اضافه است).

شخصیت ادبی	توضیحات مربوط به شخصیت
۱) عبدالحسین زرین کوب	الف) شاعر معروف کشور شیلی
۲) ویکتور هوگو	ب) مترجم کتابی از آلفونس دوده
۳) یوهان کریستوفر فریدریش شیلر	ج) نویسنده معروف فرانسوی
۴) ویلیام شکسپیر	د) نمایشنامه‌نویس معروف انگلیسی که غزلهایی نیز دارد.
۵) مهرداد اوستا	هـ) نویسنده اهل کشور رومانی
۶) پابلو نرودا	و) نویسنده تیرانا

۱۶۵. در میان اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های مطرح شده در ستون الف و ب جدول زیر، مواردی را که نزدیکی معنایی یا تضاد معنایی دارند، مشخص کنید.

«الف»	«ب»
۱) گاه از خودمان نیست، کاهدان که از خودمان است.	الف) شاهین تیزبال افق‌ها بودم، زنبوری طفیلی شدم.
۲) هنوز در خانه اول حافظه‌ام قرار دارد.	ب) مزه شیرینی‌های باد و باران خورده را هنوز زیر دندان دارم.
۳) چه خوابی برای ما دیده‌اند؟	ج) داشتم بال درمی‌آورم.
۴) آقا واتر قیده‌اند.	د) از دیوار راست بالا می‌رود.
۵) فیل زنده و مرده‌اش یک قیمت است.	هـ) خبرهایی بود که خوابشان را می‌دیدم.
۶) قند در دلم آب شد.	و) دنبال نخود سیاه فرستادیمش
۷) ما را سر کار گذاشته‌اند.	ز) دود از کنده بلند می‌شود.
۸) کمر رستم را شکست.	ح) افسار شتر را می‌خواهد به کدام سمت بکشد.
	ط) تا خرخره خورده بودی
	ی) زیر بغلمان را بگیرند.

پاسخنامه سؤالات چالشی و ترکیبی

۱. مورد «پ»

در معنای واژه‌ها به تفاوت اسم و صفت توجه داشته‌باشید؛ مزید و انبساط اسم هستند و باید «فراوانی» و «خودمانی‌شدن» معنا شوند، همچنان که مثلاً «یأس» اسم است و باید «ناامیدی» معنا شود نه ناامید، و برعکس «مأیوس» به معنی «ناامید» است نه ناامیدی.

۲. چهار مورد (کائنات جمع کائنه / عاکفان جمع عاکف / ملائک جمع مَلک / اصحاب جمع صاحب)

۳. (آ) عَزَّ (عزّت، ارجمندی، گرامی‌شدن) // (ب) غم، اندوه، ناراحتی // (ج) پنهان، نهان // (د) چاکر، نوکر

۴. (آ) فرشته (با «مَلک» اشتباه نشود.) // (ب) زاری // (پ) بهانه // (ت) بهار

۵. «آ»

مراقبت و مکاشفت هر دو زیر مجموعه معاملات (اعمال عبادی و رابطه تعاملی میان بنده و خداوند) هستند. در رابطه تضمّن یک یا چند واژه زیر مجموعه (نوعی از) واژه دیگر هستند؛ مثلاً ماه و خورشید و ناهید با اختر رابطه تضمّن دارند یا تاک و نخل با درخت.

۶. (آ) خوان // (ب) باسق // (ج) حلیه / تحیر / منسوب

۷. (آ) سنا: نور و روشنایی // (ب) خان: رئیس، بزرگ قوم و قبیله // (پ) منصوب: گماشته‌شده // (ت) ضمان: تعهد کردن، ضمانت کردن

۸. ذات - مضاف الیه

۹. الف) مزید (هر دو نهاد هستند.)

(ب) ۱) «عش» (در «طاعتش») ۲) قریت ۳) «عش» (در به «شکر اندرش» = به شکرش اندر = اندر شکرش) ۴) نعمت همان به [است] که بنده از تقصیر خویش به درگاه خدا عذر بیاورد.

۱۱. ۱) ماضی نقلی (رسیده است) ۲) مضارع اخباری (کشیده = پهن) است (= می‌باشد)

۱۲. (آ) نادرست (در خبر است = در اخبار و روایات وجود دارد.)

(ب) نادرست (۱) - خبر ۲ - سرور ۳ - مفخر ۴ - رحمت ۵ - صفوت ۶ - تتمه)

(پ) نادرست (۱) - سرور کائنات ۲ - مفخر موجودات ۳ - رحمت عالمیان ۴ - صفوت آدمیان ۵ - تتمه دور ۶ - دور زمان (ت) درست (صفوت)

(ث) درست (خبر این جا معنی حدیث و روایت می‌دهد.)

(ج) درست (معطوف و بدل)

(د) نادرست (واژه‌های سجع باید در پایان جمله‌ها بیایند نه وسط یک جمله.)

۱۳. الف) حد // (ب) درهم (دزم) // (ج) مراقبت (مراقبه) // (د) عصاره // (ه) داروغه // (و) عاکف // (ز) وسیم

۱۴. وجه: ذات یا وجود // ادیب: معلّم یا مربّی

۱۵. (آ) نهاد // (ب) قید // (ج) نهاد // (د) صفت // (ه) قید

۱۶. داروغه، ذوالجلال، مفزّح، اکراه، هرج و مرج

۱۷. در دل مدار هیچ که زیر و زیر شوی

۱۸. دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

۱۹. (آ) یک دم / گمان مبر // (ب) بنیاد / مدار



۲۰. بیت قبل: وجه خدا.....

بیت بعد: گر در سرت.....

۲۱. ای بی خبر بکوش.....

یا

در مکتب حقایق.....

۲۲. یک واژه

همت از باد سحر می طلبم اگر (که) خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است ببرد.

۲۳. آ) اینجا مسندی وجود ندارد زیرا «است» در معنی «قرار دارد و حضور دارد» آمده، بنابراین مسند نمی‌خواهد و ناگذر است.

ب) غرقه (غرقه به خون) / کم (کم از کفن)

پ) بهر وطن / همچو من

گاهی مجموعه «حرف اضافه + متمم» نقش مسند به عهده می‌گیرند؛ مانند مسندها در بیت پ

۲۴. الف تهی // ب) محترم / محترم

۲۵. جیب / جام / فراغتی / جمشید (جمشید جم)

۲۶. هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت در پیشگاه اهل خرد محترم نیست.

۲۷. نهاد / مفعول

۲۸. نهاد / مفعول / صفت / متمم / صفت

۲۹. الف) داری / داری // ب) است / است // ج) است / است // د) با تو هستم (به من گوش کن) / با تو هستم (به من گوش کن)

کن) / با تو هستم (به من گوش کن) ه) ای (بنهفته‌ای) // و) (معلوم) است

۳۰. آ) چشم بشر: اضافی / رویت: اضافی / چهر دل‌بند: وصفی // ب) مشت زمین: اضافی / ضربتی چند (چند ضربه‌ای):

وصفی // ج) حرف کم و بسیار: اضافی د) سزاوار خداوندی: اضافی / خداوندی‌اش: اضافی // ه) قلب فسرده: وصفی /

قلب زمین: اضافی // و) دل زمانه: اضافی / آتش خود: اضافی // ز) این بی‌خردان: وصفی / بی‌خردان سفله: وصفی / داد

دل: اضافی / دل مردم: اضافی / مردم خردمند: وصفی

۳۱. آ) سر / اورند (یکی و کبود، صفت‌های «اورند» هستند) ← «یکی کبود اورند» گروه اسمی در نقش متمم است ←

هسته گروه یعنی «اورند» نقش متمم دارد. // ب) بی‌خردان // پ) آن // ت) خانه / کجا / خانه // ث) تقصیر / درگاه

(«به‌جا آوردن» فعل مرکب است. // ج) هدیه

۳۲. آ) معجر (سپید معجر) // ب) داد (داد دل مردم خردمند) // پ) کافور // ت) «می‌باید تو را تا خانه قاضی

برم» (پیرو فعل «گفت») / تو (مفعول فعل بزم) / «قاضی از کجا در خانه خمّار نیست» (مفعول فعل «گفت») //

ث) عذر / سزاوار (سزاوار خداوندی‌اش) / «سزاوار خداوندی‌اش به‌جای آورد (مفعول فعل «نتواند») // ج) دامنی

۳۳. آ) به کاری بیهوده واداشتن و معطل کردن // ب) انگشت‌نما و رسوا شدن // پ) به حداقل‌ها قناعت کردن و رضایت

دادن // ت) به طور کامل ناپود کردن // ث) نگران و مضطرب هستیم که قرار است چه پیش بیاید.

۳۴. «الف»

۳۵. گزینه «۲»

۳۶. دور ماندن نی از منزل اصلی‌اش، نیستان، موجب این است که صدایش غمگین و محزون باشد (حسن تعلیلی غیر مستقیم

در لایه‌های عمیق معنایی بیت نهفته است.)

۳۷. الف) نادرست // ب) نادرست // ج) درست

۳۸. الف) نادرست // ب) نادرست // ج) درست

۳۹. آ (جمع // ب) حالت یا فاعلی / حالت یا فاعلی // پ) «ان» سببی یا گذرا ساز «ان» در «پنهان» تجزیه نمی‌شود و پسوند نیست. (ت // جمع // ث) فاعلی (حالت // ج) فاعلی (حالت // جمع / جمع

۴۰. الف) نادرست // ب) درست // پ) نادرست «هر که جز ماهی» متناظر با «بی‌روزی» است. ماهی متناظر است با «انسان صاحب‌روزی».

۴۱. مجاز: روزها مجاز از عمر است / استعاره: خطاب قرار دادن روزها، تشخیص و استعاره مکنیه است.

۴۲. درویش ~ صاحب‌دل / تجلی درگاه حق ~ مکاشفه

۴۳. «جیب» در «الف» معنی گریبان و یقه می‌دهد اما در «ب»، به معنی امروزی خود یعنی کیسه‌ای دوخته در لباس که در آن پول یا... می‌گذاریم، است.

۴۴. گزینه «۴»

۴۵. گزینه «۳»

۴۶. ترکیب‌های وصفی: آ) هیچ کس // ب) هر کسی / همه جایی / هر دیده‌ای // پ) اول پایه / دوم پایه / دو پایه
نقش‌های دستوری: آ) نهاد / مضاف‌الیه // ب) جزئی از فعل مرکب است و نقش دستوری جداگانه ندارد / متمم // پ) مسند / مفعول

۴۷. الف) عشق آتش است / به رنگ خود گرداند (عشق) [آن جا را] به رنگ خود گرداند

نهاد مفعول مسند

ب) («سوزد» این جا معنی می‌سوزاند می‌دهد) [آن جا را] سوزد (می‌سوزاند)

مفعول حذف شده فعل گذرا به مفعول در زمان مضارع اخباری

پ) عشق آتش است / رخت نهادن کنایه از منزل کردن و مأوا گزیدن، مستقر شدن
ج) مفهوم مشترک: عشق (غم عشق) تمامیت خواه است و هیچ جایی برای فکر و احساس دیگری در وجود عاشق باقی نمی‌گذارد.

۴۸. («خود، خویش و خویشتن» ضمیرهای مشترک هستند)

آ) مفعول

ب) مفعول / بدل (او خود نداند.....) بدل

۴۹. تضاد: در عبارت مورد نظر «خود» مفهوم خودخواهی یا نیازهای مادی می‌دهد اما در بیت حافظ، «خویش» به وجود متعالی و جایگاه والای معنوی انسان اشاره دارد.

۵۰. حالت یا فاعلی

۵۱. مورد سوم که معنی چگونگی می‌دهد و هم وزن «خون» خوانده می‌شود. (از تو چون یاد کنم؟ = چگونه از تو یاد کنم = نمی‌توانم از تو یاد کنم.)

۵۲. منسوب / مستغرق / خان / عن قریب / ذوالجلال / انابت

۵۳. پ) اصرار ~ آسار // ت) چهره ~ چهر // ح: باغی ~ باقی

۵۴. گزینه «۳»

(مسلط: نوشته شده، به سطر در آمده / رثا: گریه و یاری بر مردگان / ظن: گمان)

۵۵. مار گرز / عقرب جزاره / چریغ خورشید / وظیفه روزی / دارِ مُلک / مسی جود / جویبار فسرده

۵۶. قنات / سفر / تداعی / قریب / سوء هاضمه / ملاط

۵۷. یک وابسته (ده) و یک وابسته وابسته (فرسنگ)



۵۸. آ) ناچار // ب) دوری کرمان از محل زندگی نویسنده و لزوم رفتن به کرمان برای ادامه تحصیل چون شهر سیرجان کلاس چهارم دبیرستان نداشت. // پ) سال / فرسنگ // ت) راه

۵۹. آ) من / کل / جمله سوم، پیرو و نهاد جمله دوم است / بردن سیصد تومان پول (نهاد جمله سوم)
ب) وقتی / که «تا» این جا حرف اضافه است.

پ) بردن سیصد تومان پول
یک محصل («همراه» حرف اضافه است.)

۶۰. آ) پایان / به غایت القصوای مقصود خود رسیده است (پیرو مفعولی برای فعل «گمان می کند» // ب) گمان می کند

۶۱. گزینه «۱» (الگوی جمله این است: نهاد + مفعول + مسند + فعل)

۶۲. آ) ما (حذف شده) // جزیره (جزیره های کوچک و بزرگ)

ب) بیشتر / راه // روی دریا // جزیره های کوچک و بزرگ
مضاف الیه مضاف الیه دو صفت پسین

وصله های رنگارنگ («مثل» حرف اضافه است.)
طیلسان آبی مدیترانه
صفت پسین مضاف الیه

۶۳. آ) عبارت صورت سؤال به گسترش بیش از حد قلمرو امپراتوری روم اشاره دارد (ژم در اروپا است اما تا نزدیکی های ایران قلمرو حکومتش را گسترش داده بود) و همین طمع ورزی و کشورگشایی بی قاعده، باعث ایجاد مشکلات داخلی در امپراتوری و نهایتاً فروپاشی اش شد؛ مانند مرگ افراد ثروتمند از پر خوری!

ب) زبان گویا و امروزی، کاملاً روشن و واضح

پ) سواحل دریای سیاه / کرانه های فرات / خط / کرانه های رود تیبر

ج) رم / دیوار و بارو / فرمان / کرانه ها (کرانه های فرات)

د) مفعول فعلی «بازگو می کند» تمام جمله هایی است که پس از حرف ربط «که» به شکل پیرو آمده اند. مفعول می خوانند «خط» است.

هـ) شهری قدیمی
دیوارهای قطور آن
باروهای دودخورده آن
زبان حال

فراز همین برج ها
سواحل دریای سیاه

۶۴. گزینه «۳»

فیه مافیه اثری عرفانی است اما نوشته مولاناست نه سروده او (نثر است نه نظم و شعر).

۶۵. گزینه «۱»

۶۶. الف) [در کلاس حاضر می شد] از پایان عبارت به قرینه معنوی حذف شده است.

ب) استاد مطلوبش (منظور نویسنده این است که قدیم ها شاگردان دنبال استاد بودند نه استادان دنبال شاگرد!)

پ) شاگرد (فعل) «می گشت» این جا یعنی جست و جو می کرد، پس مسند نمی خواهد.

ت) کاملاً مطیع استاد می شد.

ث) دولتی شدن امور آموزشی و فرهنگی^۱

۱. ایشان دلبسته حوزه های علمیه و آموزش در غره و زاویه و... است و از این که تحصیلکردگان وارد بدنه دولت شده اند و دولت، معلم سر کلاس می فرستد و ما بچه ها را گاهی به زور به مدرسه می فرستیم دلگیر و ناخرسند است.

۶۷. ۱) گرم / جانشین / روشن

۶۸. الف) «همه چشم‌ها به جد پدرم بود» کنایه از این که همه منتظر جد پدرم بودند و از او توقع داشتند. «چراغ چیزی را روشن نگه داشتن» کنایه از چیزی را همچنان زنده و پررونق نگاه داشتن.

ب) حوزه

ج) ترکیب‌های وصفی: ۱) همه چشم‌ها ۲) جانشین شایسته ترکیب‌های اضافی:

۱) جد پدر ۲) پدرم ۳) حوزه حکمت ۴) چراغ علم ۵) چراغ فلسفه ۶) چراغ کلام ۷) جانشین هادی ۸) هادی اسرار

د) ۱) «م» در جد پدرم

۲) «ملا» و «اسرار» در «جانشین شایسته ملاهادی اسرار»

۶۹. جانشین شایسته ملا هادی اسرار



۷۰. آ) به ترتیب: عطف، میان‌وند، ربط، ربط

ب) منقلب / رها / منتظر / «در انتظار آمدنِ چون او کسی»

پ) کسی (انتظار آمدنِ چون او کسی = انتظار آمدنِ کسی چون او^۱)

مضاف الیه مضاف الیه

ت) «چشم‌ها» مجاز از مردمانی که او را می‌شناختند و به او امید داشتند. «ده» تشخیص و استعاره مکنیه دارد.

۷۱. آ) ناهمسو

ب) زندگی

پ) ۱) عمومی بزرگ ۲) برجسته‌ترین شاگرد ۳) ادیب بزرگ ۴) همین روستا ۵) روستای فراموش



ب) قیدِ صفت (بسیار)

د) صفت مضاف الیه (این)

ح) روشن (صفتِ صفت)

۷۲. الف) مضاف الیه مضاف الیه (بنده)

ج) صفتِ مضاف الیه (دیدنی)

و) قیدِ صفت (سخت) / صفت مضاف الیه (این)

۷۳. ب) عاشق (به جای انسان عاشق آمده). // پ) نویسنده (به جای شخصِ نویسنده آمده). // ت) پخته (به جای

عارف پخته آمده). / خام (به جای انسان خام و ناآگاه آمده).

۷۴. آ) حاجی در انهدام هدف‌های نظامی دشمن توانا و باتجربه بود.

ب) روزهای بعد، قصد انجام کاری (شکار) را نمی‌کرد و به آن رو نمی‌آورد.

پ) کسی جز او در آن جا ساکن نمی‌شود و خانه نمی‌گزیند.

ت) زندگی بدون عشق را با مرگ یکسان بدان.

ث) خوراکِ روزی پروانه آتش است. (با آتش زنده می‌ماند).

ج) مردم کرانه‌های فرات (عراق) از مردم امپراتوری روم (شهر رم) فرمان می‌بردند.



(چ) سوار بر اسب شکرگزاری به پیشباز نعمت‌ها می‌روم.

(ح) گرفتار شهر و شهرنشینی نشده بودیم.

(ز) بر روی پره‌های جوجه کبک‌ها نقش‌هایی شبیه خط و خال ظاهر شده است. (اندکی بزرگ شده اند.)

(خ) مجموعه ستاره‌های ثریا مانند چلچراقی در آسمان پدیدار شد و طلوع کرد.

(د) توان مالی اجاره یک خانه حیاط‌دار را که کاملاً در اختیار خودمان باشد، نداشتیم (حیاط این جا مجاز از خانه حیاط‌دار است.)

(ذ) خان ایل قشقایی مهمان پدر می‌شد و از او با غذاهای رنگارنگ پذیرایی می‌شد.

(ر) برای بررسی وضعیت ساوه به آنجا مراجعه حضوری کردم اما در مورد دزفول به پرس‌وجو بسنده کردم.

۷۵. آ) سختی‌های مسیر از میان رفت.

(ب) مرا معطل و مسخره کرده‌ای / کاری نشدنی را برای معطل کردن به من سپرده‌ای

(پ) به حداقل‌ها باید دلخوش بود و بسنده کرد.

(ت) از قدیم تا کنون هیچ تغییری نکرده است. دست‌نخورده مانده است.

(ث) کسی را دچار دردسر و مشکل کردن

(ج) سوار بر الاغ و بدون امکانات امروزی به سفر رفتن

۷۶. هادی

(حوزه: هسته // درس: مضاف‌الیه // هادی: مضاف‌الیه مضاف‌الیه // مرحوم، حاجی، ملاً: سه شاخص برای مضاف‌الیه مضاف‌الیه

// اسرار: مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

۷۷. مفعول: چه

(آیا) چشمان تار من و تو چه غیر از شب آن جا در آن برزخ سرد و کوچه‌های غم و درد می‌دید؟

۷۸. ترکیب‌های وصفی: (۱) آن جا (۲) آن برزخ (۳) برزخ سرد (۴) چشمان تار

ترکیب‌های اضافی: (۱) کوچه‌های غم (۲) کوچه‌های درد (۳) چشمان من (۴) چشمان تو

۷۹. مورد «د»

۸۰. الف) «غبار» در نقطه مقابل باران (و جویبار) قرار دارد. // (ب) باران // (پ) صد جویبار / این جا // (ت) ۲ فعل (ایم - است)

۸۱. الف) نادرست // (ب) نادرست (آرایه تکرار داریم اما نقش تکرار نداریم. // (پ) درست // (ت) نادرست

۸۲. رود (هر دو متمم هستند اما حرف اضافه‌شان حذف شده است: «به عنوان» و «به» حروف اضافه حذف‌شده قبل از این

متمم‌ها هستند.)

۸۳. گزینه «۴»

۸۴. جواب خوبی‌ها و حتی بدی‌ها را با خوبی دادن.

۸۵. آ) مولانا // (ب) عطار // (پ) محمد بهمن بیگی // (ت) مهرداد اوستا (محمد رضا رحمانی) // (ث) سیدمهدی شجاعی //

(ج) احمد عربلو // (ح) دکتر علی شریعتی // (خ) دکتر باستانی پاریزی

۸۶. یعنی از شما (که شهید شده‌اید) و خاطراتتان، درس ایشان و شهادت می‌آموزم.

۸۷. الف) سه جمله ساده (مصدرها را با فعل اشتباه نگیرید.)

(ب) نهاد: [شما] / مفعول: جمله پیروی که پس از «که» آمده است.

۸۸. الف) ... از آن زمان که معلم بودید تا اکنون که باز معلم هستید [این‌طور بوده است]، الان هم دوستان دارم، بیشتر از

همیشه [دوستان دارم]

(ب) قیدها: خدای ناکرده / همیشه / باز / الان / هم / بیشتر (از همیشه)

(پ) کنایه: زیرپا گذاشتن / مجاز: امروز و دیروز

(ج) معلم، نخست به معنی آموزگار و سپس به معنی شهید که آموزنده فداکاری و میهن‌پرستی است، آمده.

۸۹. حرف ربط وابسته ساز (نقش نما) / متمم / مسند / مسند / قید / مفعول / مفعول
۹۰. این جمله (جمله) / خود / جنگیدن / همراه بودن / شما / یاد گرفتن (جنگ یاد گرفتن = یاد گرفتن جنگ^۱) / جمله نخست (کنید = گردانید)
۹۱. الف) جناس همسان میان تنها (به تنهایی) و تنها^۲ (فقط) // ب) مفعول «دریغ نداشتید» حذف شده است. / شیخ شما
۹۲. چقدر / ایستاده / نشسته
- ((کجا) نهاد است. / «آن قدر» مسند است.)
- ب) جمله پایانی ایهام دارد.
۹۳. الف) حرف های ربط هم پایه ساز: (۱) یا (۲) نه... که (بلکه)
- ب) حرف های ربط وابسته ساز: (۱) آن چنان که (۲) اگر
۹۴. «ب»
- (در هر دو، این مضمون مشترک است که حالات درونی بر دنیای بیرونی تأثیرگذار است.)
۹۵. الف) نفس های / مرگ // ب) صبح زود / خورشید
۹۶. یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است
۹۷. حسن شهادت از همه حسنی فراتر است / ای محسن شهید من ای حسن بی گناه
۹۸. زیرا قتل و به شهادت رسیدنش یادآور همان مظلومیت و اندوه شهادت امام حسین و شهدای کربلا است. (عین روضه که یادآور همان رنج و غم است.)
۹۹. احتمالاً چون لیریز زندگی است! (پاسخ دقیق تر را - اگر ویبور داشته باشد - خود شاعر مقرر میناب اسفندقه باید بگوید.)
۱۰۰. زیبایی و دلربایی (حتی از حضرت یوسف هم زیباتر)
۱۰۱. زیرا بریده شده است (داعشی های خونخوار سر ایشان را از تن جدا کردند) و عیان تر از این نمی شود گواهی بر فداکاری و عشق ارائه کرد.
۱۰۲. گزینه ۱ («گذشت» در پایان مصراع دوم مصدر کوتاه است.)
۱۰۳. آ) رودرو کرد / وادار به رویارویی کرد. ب) به وزیرش فرمان داد. پ) انگار روز وارد شب شد. (همه جا روشن شد) ت) بر یک اسب عربی سوار بود. ث) سوی کاووس رفت و به او نزدیک شد // در برابرش خم شد و تعظیم کرد. ج) اگر اینچنین است که د) شروع به عذرخواهی کرد.
۱۰۴. گزینه ۱ «
۱۰۵. الف) ۲ وصفی و ۲ اضافی // ب) متمم / نهاد // پ) تازی // ت) قهرمانی
۱۰۶. امیدوارم / مطمئنم / پیمان می بندم
۱۰۷. تپش
۱۰۸. آ) عسل خالص // ب) اندوه حاصل از ظلم و ستم // پ) درآمدهای مملکت // ت) چیزی را محافظ چیزی دیگر قراردادن
۱۰۹. گزینه ۱ «
۱۱۰. گزینه ۴ «

۱. یا باید «جنگ یاد گرفتن» را یک واژه دانست یا «جنگ» را مضاف الیه «یاد گرفتن» به شمار آورد.

۱. نقش دستوری هر دو «تنها» قید است.



۱۱۱. گزینه «۲»

۱۱۲. قرار گرفتن در جمله

۱۱۳. تناسب (تناسب میان «بنده» و معنی لطف کردن «نوازی»)

۱۱۴. تناسب / زال

۱۱۵. بیت ب / از جامعه و مردم عادی بریدن و به محفل هم‌فکران خود پناه بردن

۱۱۶. در مورد «الف» یک پدیدهٔ عینی و دیدنی، یعنی قهوه‌خانه به یک مفهوم ذهنی (شرم) تشبیه شده است (و این بسیار نادر و استثنایی است). در حالی که در مورد «ب»، مانند اغلب موارد تشبیه دو پدیدهٔ عینی به هم مانند شده‌اند.

۱۱۷. الف) همچنان / آری

ب) ترکیب‌های وصفی: وجود ندارد

ترکیب‌های اضافی: (۱) قصهٔ درد (۲) عیار مهر (۳) عیار کین (۴) مهر مرد (۵) کین نامرد

۱۱۸. (آ) سه جمله // ب) گرم / روشن / آتشین پیغام / کانون گرم // پ) ایهام: کانون گرم / حس آمیزی: آتشین پیغام

۱۱۹. (آ) (۱) شعر محض (۲) شعر خوب (۳) شعر خالی // ب) صفت پسین (وابستهٔ مسند) / قید / متمم // پ) پوچ

۱۲۰. (آ) ستون، تکیه‌گاه / کشور ایران // ب) سالخورده // پ) تند و شدت // ت) عمق، ته // ج) بدتر، زخمی‌تر // چ) یکتا / لنگه // ح) بسیار

۱۲۱. (آ) ناوردها: مضاف‌الیه مضاف‌الیه / هول: صفت مضاف‌الیه

ب) بی‌مانند: صفت مضاف‌الیه

پ) وجود ندارد.

ت) مروارید: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ث) وجود ندارد: هزار یادبود خویش

ج) وجود ندارد.

۱۲۲. الف) نهاد / صفت (وابستهٔ مفعول)

ب) کمان / تیر / درختی / زیرش / آن (دو حرف اضافه گرفته‌است).

پ) نابردار (۱- ناجوانمرد ۲- برادر ناتنی)

۱۲۳. نیرنگ و دروغ، خیانت ایرانیان و خویشان

۱۲۴. راه

۱۲۵. از تو چون یاد کنم؟! (در هر دو مورد «چون» معنی چگونه می‌دهد).

۱۲۶. یکی از صاحب‌دلان

۱۲۷. ت) هر دو در مفهوم «از خودبی خودشدن و خودرافراموش کردن» در عالم غیب، و هنگام جلوهٔ فروغ خداوندی، اشتراک دارند.

۱۲۸. از هر چه [که آن را] گمان توان کردن زیباتر است.

پیرو

پایه

۱۲۹. پ) زیبایی‌های جهان، پرتوی از زیبایی وجود یگانه هستی (خداوند) است.

۱۳۰. آنچه را [که] خواهد، تواند.

پیرو

پایه

۱۳۱. صفت // بدل («هر یک» بدل «این همه نقش و نگار» است).

۱۳۲. شیرمردی

۱۳۳. بیت آ // قدم نهادن و تاب آوردن در مسیر عشق الهی، کار هر کسی نیست و قدرت روحی و تحملی بسیار فراتر از حد مردم عادی نیاز دارد.

۱۳۴. دوری او را تحمل نتواند کرد = بی آتش قرار ندارد.

۱۳۵. هر که بدو رو آرد، بدو بتواند رسید.

۱۳۶. ۱ ← ب ۲ ← ه ۳ ← الف ۴ ← و ۵ ← د ۶ ← ج

۱۳۷. وادی اول // آزاد شدن از دلبستگی‌های دنیوی و عشق‌های مجازی - که مقدمه عشق حقیقی هستند - مربوط به وادی طلب (وادی نخست) است.

۱۳۸. وادی چهارم

طاووس به قدر و جایگاه خود آگاه است (وادی معرفت، سوم) اما نمی‌تواند از بهشت اظهار استغنا و بی‌نیازی کند (وادی چهارم).

۱۳۹. وادی پنجم یا توحید

۱۴۰. حیرت

۱۴۱. وادی سوم

۱۴۲. وادی بی‌پاوسر معرفت بعد از این پیش‌نظرت بنماید (نمایان می‌شود).

۱۴۳. (آ) مضاف‌الیه // (ب) نهاد // (پ) مضاف‌الیه

۱۴۴. (آ) درست // (ب) نادرست // (پ) درست // (ت) درست // (ث) درست // (ج) نادرست // (چ) درست

۱۴۵. (الف) باز (عقاب) - افراد دلبسته به قدرت دنیایی و تجملات اشرافی // (ب) ربط / میان‌وند / میان‌وند // (پ) (۱) درست (۲) نادرست (۳) درست (۴) درست

(چه جای آن است = چرا جای آن است = جای آن نیست).

۱۴۶. گزینه «۴»

۱۴۷. (آ) سرسرا // (ب) تجرید // (ج) مراقبت // (د) گرو بردن // (ه) تفرید // (و) رواق // (ز) دوری (با «طَبَق» اشتباه نشود).

۱۴۸. نشئه / زوال / غرس / ضجّه / مَضغ (جویدن) / سُموم (باد گرم و زیانبار) / مشایعت / شیء عجب / متانت

۱۴۹. آ

۱۵۰. (الف) شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه [بود]

حذف به قرینه لفظی

کباب غاز صحیحی بدهد و دوستان [کباب غاز را] نوش جان نموده...

حذف به قرینه لفظی

(ب) نخستین «واو» ربط است. «واو» میان «عمر و عزت» عطف است. («و» در «قرار و مدار» میان‌وند است).

(پ) مفعول / متمم / نهاد

(ت) ۳ (نوروز، رتبه)

۱۵۱. (آ) وصفی // (ب) وصفی // (پ) وصفی // (ت) اضافی // (ث) وصفی // (ج) وصفی // (چ) اضافی // (ح) اضافی // (خ)

اضافی // (د) وصفی // (ذ) وصفی // (ر) وصفی // (ز) اضافی // (ژ) اضافی // (س) اضافی // (ش) اضافی



۱۵۲.

جمله وابسته وابسته (پیرو پیرو)
 محال است [که] بگذارم [که] چیز عاریه در مهمانی اول بعد از عروسی از کسی وارد این خانه بشود.
 جمله هسته پایه جمله وابسته (پیرو)

۱۵۳.

آ) روز دوم عید ب) فردای آن روز پ) جوان دیلاقی مصطفی نام ت) پسرعموی دختردایی خاله مادر م

۱۵۴. نوروز (مضاف الیه مضاف الیه) / رنگ (ممیز) / جور (ممیز)

۱۵۵. آ) متمم // ب) اولی برای تأکید است. دومی حرف ربط وابسته ساز است.

۱۵۶. گزینه ۲ (معوّج مترادف کج است.)

۱۵۷. آ) یک (آراستنی سر و وضعش) // ب) سه («سرووضع» یک واژه است، پس «و» در آن میان وند است.) // پ) یک (تا) // ت) فاعلی (حالت) // ث) برنامه کاری که به او آموزش داده شده بود.

۱۵۸. گزینه «۳»

۱۵۹. آ) از زواید / از جمله رسوم / متروک // ب) مرحوم // پ) این که شخصیت ادبی برجسته ای مانند ادیب پیشاوری به این جوان دیلاق بگوید، تخلص سزاوار تو «استاد» است! واقعاً طنز است و ساخته خود مصطفای تازه به دوران رسیده!

۱۶۰. اگر // وُلُو (حتی اگر، اگر چه) - جدا // مائده آسمانی

(«که» برای تأکید آمده است. «تا» این جا حرف اضافه است.)

۱۶۱. آ) خاطر من («محض» این جا معنی «برای» می دهد. / «از میان نرود» فعل مرکب است و «میان» این جا متمم نیست.)
 ب) هم / فقط / لا اقل

۱۶۲. «تا» در «تا چشمت به نماز افتاد» // که

۱۶۳. آ) کوی و محله // ب) اگر چه، حتی اگر // پ) جویدن // ت) نوعی تیربار بزرگتر از تیربار معمولی // ث) غم و اندوه // ج) ترسناک و زشت // چ) کولاک // ح) جنبیدن، به حرکت در آمدن // خ) شکست خورده، مغلوب // د) روشنایی // ذ) نوشته شده // ر) اسبی با رنگ میان زرد و بور

۱۶۴. ۱ ← ب ۲ ← ج ۳ ← د ۴ ← و ۵ ← ه ۶ ← الف

۱۶۵. ۱) مفهومی متضاد با «ط» دارد. / ۲) با «ب» مفهومی یکسان دارد. / ۳) با «ی» مفهومی متضاد دارد. / ۴) با «الف»

مفهومی یکسان دارد. / ۵) با «ز» مفهومی نزدیک دارد. / ۶) با «ج» مفهومی یکسان دارد. / ۷) با «و» مفهومی یکسان دارد. /

۸) با «د» تا حدی نزدیکی مفهومی دارد.